

# ادعای متهم در دادگاه پای یک پزشک را به پرونده قتل باز کرد

17 فروردین 1404

راننده نیسان آبی که به اتهام قتل پسری جوان محاکمه می‌شود با یک ادعای تازه در دادگاه پای پزشک معالج مقتول را نیز به پرونده باز کرد.

تیر سال 1402 پس از اعلام گزارش یک درگیری خونین به مرکز فوریت‌های پلیسی، مأموران کلانتری شهرستان بهارستان به محل حادثه اعزام شدند.

با بررسی‌های اولیه مشخص شد چند نفر بر سر جای پارک خودرو با مرد جوانی به نام مرتضی درگیر شده و در این میان مرتضی و مرد دیگری مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌اند.

یک روز بعد در حالی که یکی از مجروحان بهبود یافته و از بیمارستان مرخص شده بود خبر رسید که مرتضی به خاطر شدت جراحات وارده و خونریزی داخلی، تسلیم مرگ شده است.

در ادامه متهم 46 ساله به نام کریم همراه 7 نفر از افرادی که در درگیری حضور داشتند، به اتهام قتل بازداشت شدند و متهمان همگی عنوان کردند که ضارب اصلی کریم بوده است.

پس از آن پدر مرتضی به مأموران گفت: «روز حادثه وقتی فهمیدم چند نفر به پسر من حمله کرده‌اند خودم را جلوی در خانه رساندم که کریم و همدستانش ما را مورد ضرب و شتم قرار دادند. برادر کریم بوکسور است و آن روز با یک باتوم به ما حمله کرد و من بعد از ضربه‌ای که خوردم بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم فهمیدم پسر من را به بیمارستان رسانده‌اند.»

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

## اولین جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول درخواست قصاص کردند. پدر مقتول به قضات گفت: «به هیچ عنوان از خون پسر من نمی‌گذرم و متهم باید به اشد مجازات محکوم شود.»

بعد از آن برادر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «روز حادثه من و برادرم سوار ماشین پدرمان شدیم و قصد داشتیم از پارکینگ خانه بیرون بیایم که دیدیم یک نیسان آبی جلوی در پارکینگ پارک شده است. ۲۰ دقیقه‌ای صبر کردیم و زنگ چند خانه را زدیم اما راننده را پیدا نکردیم. به همین خاطر به سختی نیسان را به عقب هول دادیم و از پارکینگ خارج شدیم. به سرکوبه که رسیدیم برادرم یادش افتاد کلیدش را در خانه جا گذاشته به همین خاطر با خودرو دنده عقب گرفتیم و جلوی خانه‌مان رسیدیم، بعد ماشین را مقابل در پارک کردیم و به خانه رفتیم که به یکباره دیدیم راننده نیسان آبی با صدای بلند شروع به فحاشی کرد و به جابه‌جایی ماشینش معترض بود و وقتی فهمید ما ماشینش را هل داده‌ایم شیشه‌های ماشین پدرم را شکست و رفت. من و برادرم از خانه بیرون آمدیم اما ناگهان متهم با چند مرد و زن با چاقو و چوب به سمت‌مان حمله کردند و جلوی چشمانم برادرم را با چاقو زدند.»

در ادامه متهم به جایگاه رفت و با رد اتهام قتل عمد گفت: «من با مرتضی درگیر شدم اما روز حادثه من تنها نبودم و افراد دیگری هم حضور داشتند. آن روز به خاطر جابه‌جا شدن ماشینم اعتراض کردم و آنها به من فحاشی کردند و بعد هم با چاقو به سراغم آمدند. من به او چاقو زدم اما ضربه مرگبار نبود.»



در این میان پدر مقتول به نشانه اعتراض به قضات گفت: «بررسی دوربین‌های مداربسته و همچنین تحقیقات محلی نشان می‌دهد من و پسر من هیچ وسیله دفاعی در دست نداشتیم و متهم و بستگانش با چوب و چاقو به ما حمله کردند. متهم با دروغگویی می‌خواهد خودش را بی‌گناه نشان دهد. او خودش می‌داند پسر من را کشته است و باید قصاص شود.»

پس از آن متهم به جایگاه رفت و با بیان ادعای تازه‌ای گفت: «در آن درگیری من هم چاقو خورده بودم و آنقدر حالم بد بود که دوستانم مرا به بیمارستان رساندند. اما مقتول حال خیلی بدی نداشت و حتی با پای خودش به همان بیمارستان آمد با این حال صبح روز بعد گفتند او فوت کرده که خیلی تعجب کردم از طرفی شنیدم که او شب حادثه از روی تخت بیمارستان به زمین افتاده و دلیل فوتش همین موضوع بوده است.»

در پایان جلسه قضات ادامه بررسی پرونده را به تحقیقات بیشتر درباره اظهارات متهم موکول کردند. با شروع تحقیقات از بیمارستان مشخص شد، مقتول در جریان مداوا از روی تخت بیمارستان پایین افتاده و همین موضوع سبب پارگی طحال او شده است. بنابراین با تأیید اظهارات متهم و صدور کیفرخواست اصلاحی، برای پزشک معالج 40 درصد مشارکت در مرگ مقتول صادر و وی نیز متهم شد.

دومین جلسه دادگاه

در جلسه دوم محاکمه بار دیگر اولیای دم بر اشد مجازات تأکید کردند. سپس پزشک معالج مقتول در جایگاه متهم قرار گرفت و به قضات گفت: «آن شب بیمار را معاینه کردم و حالش رو به بهبود بود و حرف می‌زد اما وقتی صبح برای معاینه او وارد اتاق شدم پرستار گفت که بیمار ساعت 3 صبح فوت کرده است. علت را که جویا شدم گفتند بیمار از روی تخت پایین افتاده و بعد از یک‌ساعت به خاطر خونریزی داخلی فوت کرده است.»

با پایان اظهارات پزشک معالج، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

**کامران علمدهی**